

## ۲۶ نکته‌ی تربیتی از داستان زندگی حضرت یوسف (ع)

- خواب دیدن یوسف و تعریف کردن آن برای پدرش یعقوب
- حسادت ورزیدن برادران یوسف و به چاه انداختن او
- بردن یوسف به مصر توسط کاروانیان و فروش او به عزیز مصر
- دل‌باختگی همسر عزیز مصر به یوسف و ابراز آن و دوری گزیدن یوسف
- به زندان افتادن یوسف توسط عزیز مصر
- تعبیر درست خواب پادشاه مصر توسط یوسف و ارتقای جایگاه او در دربار پادشاه
- دیدار یوسف با برادرانش در مصر و نگهداری برادرش بنیامین در نزد خود
- دیدار با پدر در مصر و تعبیر خواب دوران کودکی

### بهترین مشاور

آن‌گاه که یوسف به پدرش گفت: «ای پدر! همانا من [در خواب] یازده ستاره، خورشید و ماه دیدم، آن‌ها را در برابر خود سجده‌کنان دیدم» (یوسف/ ۴).

□ پدر بهترین مشاور در زندگی است. (یوسف به پدرش گفت)

□ ادب حکم می‌کند پدر را به اسم صدا نزنیم. (ای پدر!)

□ گاهی کودکی استعدادی دارد که بزرگ‌ترها به او احترام می‌گذارند. (سجده‌کنان دیدم)



### دشمن آشکار

[یعقوب] گفت: «ای پسرکم! خوابت را به برادرانت نگو که برایت نقشه‌ای [خطرناک] می‌کشند. همانا شیطان برای انسان دشمنی آشکار است» (یوسف/ ۵).

□ بهتر است فرزندان را با مهربانی و صمیمیت مورد خطاب قرار دهیم. (ای پسرکم!)

□ حسادت در محیط خانواده آسیب‌زاست. (خوابت را برای برادرانت نگو...)

□ رازداری را از کودکی به فرزندان بیاموزیم. (ای پسرکم! خوابت را برای برادرانت نگو...)

□ پیشگیری بهتر از درمان است. (... نگو که برایت نقشه‌ای [خطرناک] می‌کشند.)

□ از کودکی باید شیطان را به فرزندان معرفی کرد. (همانا شیطان برای انسان دشمنی آشکار است.)

# پیامبری که بهترین سرگذشت‌ها برای اوست!

ناصر نادری  
تصویرگر: نسیم نوروزی

### اشاره

یوسف فرزند یعقوب از پیامبران بزرگ الهی است. راحیل مادر یوسف و برادرش بنیامین بود. او در نوجوانی در گذشت. یعقوب، یوسف و برادرش را بیشتر از فرزندان دیگرش دوست داشت و همین سبب حسادت برادران به آنان شد. نام دوازدهمین سوره‌ی قرآن کریم - که به سرگذشت این پیامبر اختصاص دارد - یوسف است. در این سوره، از داستان یوسف به عنوان «بهترین سرگذشت‌ها» (احسن القصص) یاد شده است. نام یوسف (ع) ۲۷ بار در قرآن و در سوره‌های انعام، غافر و یوسف ذکر شده است. در این شماره به ۲۶ نکته‌ی تربیتی از برخی فرازهای داستان زندگی حضرت یوسف (ع) در قرآن کریم می‌پردازیم.

### گمراهی روشن

«آن‌گاه که [برادران یوسف] گفتند: «همانا یوسف و برادرش (بنیامین) نزد پدرمان، از ما که گروهی نیرومند هستیم، محبوب‌ترند. همانا پدرمان در گمراهی روشنی است» (یوسف/۸).

- گاهی بزرگ‌ترها به کوچک‌ترها هم حسادت می‌کنند. (همانا یوسف... نزد پدرمان، از ما که گروهی نیرومند هستیم، محبوب‌ترند)
- اگر فرزندان احساس تبعیض کنند، زمینه‌ی حسادت فراهم می‌شود. (همانا یوسف و برادرش محبوب‌ترند.)
- احساس قدرت، توانایی عقل را از بین می‌برد. (... نیرومند هستیم... پدرمان در گمراهی روشنی است.)
- غفلت باعث می‌شود فرد در عین انحراف، دیگران را خطاکار بیندارد. (همانا پدرمان در گمراهی روشنی است.)

### نشانه‌ی نیرنگ

«او را فردا با ما بفرست تا [در صحرا] بگردد و بازی کند و قطعاً ما نگهبانان [خوبی] برایش خواهیم بود» (یوسف/۱۲).

- کودک و نوجوان به تفریح و بازی نیاز دارد. (بگردد و بازی کند.)
- در هنگام بازی باید مراقب کودکان باشیم. (ما نگهبانان [خوبی] برایش خواهیم بود.)
- گاهی اصرار فراوان درباره‌ی یک مسئله، نشانه‌ی نیرنگ و توطئه است. (ما نگهبانان [خوبی] برایش خواهیم بود)

### وعده‌ی توبه

«[برادران به یکدیگر گفتند:] یوسف را بکشید یا او را به سرزمینی دور بفرستید تا توجه پدرتان مخصوص شما شود و پس از انجام طرح [با توجه] گروهی شایسته باشید!» (یوسف/۹)

- اندیشه‌ی خطرناک انسان را به رفتار خطرناک می‌کشاند. (همانا یوسف... محبوب‌تر... بکشید)
- کمبود محبت باعث انحراف بسیار می‌شود (... تا توجه پدرتان مخصوص شما شود...)
- شیطان با وعده‌ی توبه در آینده، راه گناه امروز را می‌گشاید. (... و پس از انجام طرح [با توبه] گروهی شایسته باشید!)

### پرده‌داری

«و [یعقوب] گفت: همانا اینکه او را ببرید، مرا غمگین می‌کند و از این می‌ترسم که گرگ او را بخورد و شما از او غافل باشید» (یوسف/۱۳).

- دلسوزی به فرزند از خصلت‌های پیامبران است. (...مرا غمگین می‌کند...)
- آزمایش الهی درباره‌ی اموری است که برای فرد حساس و مهم هستند. (...مرا غمگین می‌کند... می‌ترسم.)
- والدین نباید پرده‌داری کنند. یعقوب از حسادت فرزندان‌ش آگاه بوده ولی به حسادت آنان اشاره نکرد. (می‌ترسم که گرگ او را بخورد...)

### هم‌رنگ جماعت

«گوینده‌ای از میان آنان گفت: یوسف را نکشید و اگر قصد این کار را دارید، او را به نهران خانه‌ی چاه بیندازید تا بعضی کاروان‌ها او را بگیرند» (یوسف/۱۰)

- گاهی نه‌ی‌ازمنکر یک فرد می‌تواند نظر جمع را تغییر دهد. (گوینده‌ای از میان آنان گفت...)
- نام گوینده‌ی سخن مهم نیست، محتوای سخن مهم است. (گوینده‌ای ... گفت...)
- در کارهای غلط نباید هم‌رنگ جماعت شد. (گوینده‌ای از میان آنان گفت: یوسف را نکشید...)

### به‌گردن دیگران انداختن

«گفتند: ای پدر! تو را چه شده که ما را بر یوسف امین نمی‌دانی، در حالی که قطعاً ما خیرخواه او هستیم؟»

- خیانتکار برای فریب دیگران خود را خیرخواه معرفی می‌کند. (ما خیرخواه او هستیم) (یوسف/۱۱)
- خیانتکار تقصیر را به گردن دیگران می‌اندازد. (تو را چه شده؟)
- حسد منشأ دروغ و خیانت به نزدیکان خود می‌شود. (قطعاً ما خیرخواه او هستیم)

